

فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۷

آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی ایران در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه (با تأکید بر پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه)

محسن خدمتگزار^۱

دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۹

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۳

چکیده

با وجود اهمیت حمایت مؤثر از نمودهای فرهنگ عامه، هنوز نظام حقوقی مناسبی نه در سطح بین‌المللی و نه در سطح داخلی برای چنین حمایتی استقرار نیافته است. جدیدترین تلاش نظام تقنینی ملی در این خصوص، تدوین پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه است. این پیش‌نویس به عنوان نخستین گام در حمایت خاص از نمودهای فرهنگ عامه، دارای ایراداتی بنیادین است که باید با توجه به تجارب بین‌المللی برطرف شوند. ایرادات مزبور عمدتاً ناشی از هدف‌گذاری نادرست در وضع مقررات مورد نظر است که موجب اشتباه در نوع و موضوع حمایت شده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌های تقنینی ایران، نمودهای فرهنگ عامه، نمودهای فولکلور، پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه.

1. mkhedmatgozar@gmail.com

مقدمه

فرهنگ عامه و نمودهای گوناگون آن (فولکلور) از عناصر مهم مقوم فرهنگ و هویت ملی هر کشور هستند؛ اما در کشورهای متشکل از قومیت‌های مختلف، نقش فولکلور برجسته تر می‌شود. در چنین کشورهایی همچون کشور ما که اقوام گوناگون در چارچوب ملیتی واحد در کنار هم زندگی می‌کنند، نمودهای فرهنگ عامه، نقش دوگانه‌ای را ایفا می‌کنند: از یک سو، موجب حفظ و استمرار هویت و تشخیص هر یک از اقوام هستند، و از سوی دیگر، جزئی از فرهنگ ملی کشور در برابر فرهنگ دیگر کشورها و ملت‌ها تلقی می‌شوند و بدین ترتیب به قوام هویت ملی کمک می‌کنند. به عنوان نمونه، موسیقی بوشهری، درعین اینکه در داخل کشور نمایانگر هویت آن قوم است؛ اما در خارج از کشور و در برابر فرهنگ‌های دیگر، بیش از آن که نماینده هویت مردم آن دیار باشد، در چارچوب کلی‌تر موسیقی ایرانی بازشناخته می‌شود.

نقش پراهمیت نمودهای فرهنگ عامه در حفظ و استمرار هویت قومی و ملی، حمایت از آن را به امری گریزناپذیر تبدیل می‌کند؛ البته تردیدی نیست که مهم‌ترین حامی نمودهای فرهنگ عامه، جوامع محلی و قومی مربوط هستند که با این فرهنگ و نمودهای آن زندگی می‌کنند؛ نیازهای معنوی و عاطفی خود را با آن تأمین، شادی‌های خود را با آن ابراز می‌کنند و غم‌های خود را با آن تسکین می‌دهند و بدین ترتیب در طی نسل‌ها آن را حفظ و بنا به اقتضائات و دگرگونی‌های اجتماعی، اصلاح و تکمیل می‌کنند؛ اما توسعه روزافزون تجارت در دنیای مدرن که هیچ چیزی را خارج از حیطه عرضه تجاری باقی نگذاشته از یک‌سو و گسترش شگفت‌انگیز ارتباطات که جهان را به دهکده‌ای کوچک مبدل ساخته از سوی دیگر، حفظ هویت و اصالت نمودهای فرهنگ عامه را با تهدیدهای جدی مواجه کرده است. در کنار اینها، برخی از انحصارات ناشی از مالکیت‌های فکری که به صرف به ثبت رساندن یک نام یا طرح یا امثال آنها، امکان استفاده از آن را محدود به شخصی می‌نماید که آن را برای اولین بار به ثبت رسانده است، خود مشکل دیگری را در عرصه نمودهای فرهنگ عامه پدید آورده و گاه استفاده از آنها را برای اشخاص دیگر و حتی برای اقوامی که خود حامل آن فرهنگ و نمودهای آن هستند؛ سخت و دشوار می‌کند.

بنا به آنچه گفته شد در پایه‌ریزی نظام حقوقی حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، باید پیش از هر چیز به اهداف حمایت توجه کرد؛ این اهداف در سایه بررسی جهات آسیب‌پذیری نمودهای فرهنگ عامه مشخص می‌شود؛ از این رو با توجه به تهدیدهای بالقوه بیان شده در بالا، برخی از اهداف نظام حقوقی موردنظر آشکار می‌شود؛ اهدافی همچون جلوگیری از تحریف محتوای نمودهای فرهنگ عامه که الزام به تصریح بر اشتقاقی بودن و ملهم بودن اثر از فولکلور را مطرح می‌کند، تعیین درست منبع فولکلور که ضرورت تصریح بر مبدأ اصیل نمودها و همچنین تصریح بر اینکه اثر موردنظر در مبدأ اصیل خود ساخته شده یا در جای دیگری تهیه شده، را پیش می‌نهد، یا عدم محدودیت غیرموجه در استفاده از نمودهای فرهنگ عامه در آثار ادبی و هنری، که محدود کردن برخی انحصارات ناشی از ثبت علائم و طرح‌ها و اسامی مربوط به فولکلور را ضروری می‌نماید و اهداف دیگری که می‌تواند بر اساس جنبه‌های دیگری از آسیب‌پذیری‌های فرهنگ عامه تعریف و تنقیح و در چارچوب آنها، مقررات لازم و مناسب تدوین گردد.

اگرچه در سطح بین‌المللی و داخلی تلاش‌های قابل توجهی برای تبیین نظام حمایت حقوقی از نمودهای فرهنگ عامه صورت پذیرفته است؛ اما به نظر می‌رسد بسیاری از این تلاش‌ها به لحاظ عدم توجه کافی به اهداف اصلی حمایت از فولکلور چندان نتیجه‌بخش نبوده است.

نتیجه‌ای که از مرور قوانین و مقررات ایران حاصل می‌شود این است که نظام تقنینی کشور تا یکی دو سال اخیر، دغدغه چندان برای حمایت از فولکلور یا نمودهای فرهنگ عامه نداشته است. آنچه در مقررات پراکنده در خصوص فرهنگ عامه ملاحظه می‌شود؛ بیشتر مبین نوعی رفع تکلیف است تا ساز و کار هدفمند حمایت از فرهنگ عامه به مثابه یکی از مهم‌ترین عناصر مقوم فرهنگ و حیات ملی.

اخیراً پیش‌نویس لایحه‌ای با همت وزارتخانه‌های دادگستری و فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه شده است تا حمایت از نمودهای فرهنگ عامه را به طور اختصاصی مورد توجه قرار دهد؛ اما پیش‌نویس لایحه مزبور نیز نقاط ضعف بسیاری دارد که باید برطرف شوند تا زمینه‌های مناسب حمایت مؤثر از نمودهای فرهنگ عامه فراهم گردد.

در این فرصت، به مهم‌ترین ایرادات وارد به سیاست‌های تقنینی نظام قانون‌گذاری ایران در خصوص نمودهای فرهنگ عامه می‌پردازیم و راه‌های برطرف کردن ایرادات را نیز به‌ویژه با توجه به تجارب و اسناد بین‌المللی بیان خواهیم کرد.

الف. فقدان هدف مشخص یا مناسب

یکی از مهم‌ترین عناصر لازم در یک قانون‌گذاری کارا و مفید، وجود هدف مشخص و دقیق برای وضع قانون مورد نظر است؛ اگر هدف دقیق و صحیحی برای تدوین یک قانون وجود نداشته باشد؛ طبیعتاً مفاد و احکام قانون نیز یا بی‌اثر بوده، یا راه به بی‌راهه خواهد برد. نگاهی به مقررات و اسناد موجود در خصوص فرهنگ عامه، حکایتگر عدم وجود هدف مشخص یا مناسب در وضع آنها و گاه بیانگر نوعی رفع تکلیف صرف است. گویی قانون‌گذار می‌دانسته باید کاری کند؛ اما نمی‌دانسته که باید چه کار کند!

مهم‌ترین مواردی که در مقررات موضوعه به فرهنگ عامه اشاره شده است و همگی حکایت از فقدان هدف مشخص در امر حمایت از فرهنگ عامه دارند، به ترتیب تاریخ عبارتند از:

اساسنامه «شورای باستان‌شناسی و فرهنگ عامه» که در اسفند ۱۳۴۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده و به موجب آن، شورایی با عنوان فوق و برای دو مقوله نه‌چندان مشابه، در کنار «اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه» وزارت فرهنگ و هنر وقت تشکیل شد.

بند ۱۰ ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ که بدون هیچ ضرورتی، «اثر ابتکاری» مبتنی بر فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنری ملی را جزو آثار مورد حمایت، تحت عنوان مالکیت ادبی و هنری، قلمداد نموده، بدون آنکه خود نمودهای فرهنگ عامه مدنظر باشد؛ این در حالی است که اصولاً این قید هیچ مزیتی برای حمایت از آثار مبتنی بر فرهنگ عامه دربر ندارد و آثار ابتکاری در هر حال مورد حمایت قانونی خواهند بود. شاید تنها اثری که برای این بند بتوان قائل شد؛ برطرف کردن هرگونه تردید درخصوص حمایت از آثار ابتکاری مبتنی بر فولکلور است؛ اما در هر حال این بند هیچ حمایتی را از خود نمودهای فرهنگ عامه تمهید نمی‌کند.

مقاله ۶. آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی ایران در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ۱۴۵

خلاصه برنامه پنجم عمرانی کشور مصوب سال ۱۳۵۲ کمیسیون مجلس سنا که «پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه فرهنگستان زبان ایران»، همچنین «تأسیس مرکز ملی پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه» را در زمره اهداف فرهنگی برنامه پنجم عمرانی کشور قرار داده است. بند ۲۸ اصول سیاست فرهنگی کشور مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی که «پژوهش در فرهنگ عامه و گویش‌های مختلف و جایگزین کردن لغات و اسامی مناسب فارسی» را از جمله اولویت‌ها و سیاست‌های کلی کشور دانسته است و معلوم نیست چه سختی میان جایگزین کردن لغات و اسامی مناسب فارسی با فرهنگ عامه وجود دارد!

بند ۴ «اهداف و سیاست‌های کلی فرهنگی برنامه سوم توسعه کشور مصوب ۱۳۷۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی» که «تحکیم وحدت و همبستگی ملی» از طریق «تلاش مستمر در راه تقویت و ترویج ... هنرهای ملی و فرهنگ عامه به منظور حفظ و استمرار هویت اصیل ملی» را در شمار اهداف و سیاست‌های کلی فرهنگی برنامه سوم توسعه کشور دانسته است.

بالاخره «برنامه بهینه‌سازی، پایش، حفظ، بهره‌برداری و مدیریت جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۹۲» که در آن، «سهم جنگل در فرهنگ عامه (دانش بومی، باورهای محلی) و آموزش عمومی با تأکید بر ارزش‌های اسلامی» به عنوان نقش اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جنگل‌ها، مورد توجه قرار گرفته است.

چنانکه ملاحظه می‌شود، مقررات موضوعه که تاکنون به تصویب رسیده‌اند و به‌نوعی ناظر بر موضوع «فرهنگ عامه» هستند؛ به‌روشنی دلالت بر عدم وجود هدف مشخص و سیاست تقنینی حساب شده و مدون در مواجهه با موضوع نمودهای فرهنگ عامه و حمایت منطقی از آن دارند.

لایحه حمایت از مالکیت فکری^۱

در کنار مقررات مصوبی که بدان اشاره شد؛ لایحه «حمایت از مالکیت فکری» که هنوز جامه‌ی قانون بر تن نکرده نیز در برخی از مواد خود به موضوع «نمودهای فرهنگ عامه» پرداخته است. بررسی موارد مزبور نشان می‌دهد که این لایحه نیز در پرداختن به موضوع نمودهای فرهنگ عامه، هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند!

۱. رجوع شود به: http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/920182

در لایحه مزبور، نمودهای فرهنگ عامه به تفصیل تعریف شده است:

«نمودهای فرهنگ عامه: آن دسته از پدیده‌های گروه‌مدار و مبتنی بر سنت که بازتابی از انتظارات و آمال و جلوه‌ای از هویت فرهنگی و اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های ملی، قومی و محلی است و به صورت شفاهی و نمایشی یا به طریق دیگر نسل به نسل انتقال یافته است، از قبیل:

الف. افسانه‌ها، داستان‌ها، اشعار، معماها، ضرب‌المثل‌ها و میراث فرهنگی ناملموس

ب. تصنیف‌ها، نغمه‌ها و دستگاه‌های موسیقی

پ. حرکات موزون سنتی و آیینی و نمایش‌ها

ت. صنایع دستی از قبیل نقش و نگارها و نقاشی‌ها، کنده‌کاری‌ها، پیکره‌ها، سفالینه‌ها، آثار موزاییکی، چوب‌آلات، فلزکاری‌ها، جواهرآلات، لباس‌های محلی و منسوجات بومی»^۱.

روشن است که زمانی یک مفهوم در یک قانون، آن هم به طور مفصل، تعریف و توصیف می‌شود که نقش مهم را در تبیین مفاد و مقررات آن قانون به عهده داشته باشد. این در حالی است که مفهوم نمودهای فرهنگ عامه در این لایحه هیچ کاربرد مهمی ندارد و محدود به چند مورد گذرا و بی‌اهمیت است!

به عنوان نمونه، لایحه مزبور در مقام تعریف اجراکننده، از جمله به فردی اشاره کرده است که به هر ترتیبی نمودهای فرهنگ عامه را اجرا می‌کند.^۲

همچنین لایحه یاد شده در جایی دیگر که به آثار اشتقاقی و پایگاه داده‌ای اختصاص دارد؛ چنین مقرر نموده است: «حمایت از هر یک از آثار مذکور در این ماده، مانع حمایت از آثاری که از قبل موجود بوده یا نمودهای فرهنگ عامه که در این گونه مجموعه‌ها گردآوری شده یا مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نمی‌شود»^۳.

البته معلوم نیست که در فقدان حمایت قانونی مشخص از نمودهای فرهنگ عامه، این تبصره به کدام حمایت از نمودهای فرهنگ عامه اشاره و ارجاع داده است!

۱. لایحه حمایت از مالکیت فکری، بند ۳۸ از ماده ۱

۲. همان لایحه، بند ۱۶ از ماده ۱

۳. همان لایحه، تبصره ۲ از ماده ۳

در این لایحه برخلاف پیش‌نویس اولیه آن و برخلاف قانون سال ۱۳۴۸، در مقام بیان آثار مورد حمایت، به‌درستی به آثار مبتنی بر فرهنگ عامه، اشاره‌ای نشده است؛^۱ چرا که آثار ادبی و هنری، با داشتن شرایط لازم و از جمله شرط اصالت،^۲ در هر حال مورد حمایت خواهند بود و طبیعی است که آثار مبتنی بر فرهنگ عامه نیز با داشتن شرایط لازم، مورد حمایت خواهند بود و مبتنی بودن بر فرهنگ عامه از حیث قابلیت حمایت خصوصیتی دربر ندارد.

لذا چنانکه ملاحظه می‌شود اصولاً نمودهای فرهنگ عامه در این لایحه جایگاهی ندارد؛ البته چنانکه گفته شد، بر عدم تعیین تکلیف حمایت از نمودهای فرهنگ عامه در این لایحه نمی‌توان خرده گرفت؛ چرا که سختی‌چندانی میان موضوع لایحه حمایت از مالکیت فکری (که آثار ادبی و هنری هستند)، با «نمودهای فرهنگ عامه» وجود ندارد و طبیعی است که نمی‌توان تعیین نحوه حمایت از فولکلور را از این لایحه که موضوع و هدف دیگری دارد، انتظار داشت.

بنابر آنچه گفته شد، تعریف مفصل نمودهای فرهنگ عامه در ماده ۱ این لایحه جای تعجب است؛ گمان می‌رود که این تعریف و موارد دیگری که بدان اشاره شد؛ رد پای دیدگاه تهیه‌کنندگان پیش‌نویس اولیه لایحه باشد که همچون زائده‌ای در لایحه باقی مانده است تا نمایانگر تداوم نامشخص بودن هدف و بلاتکلیفی نظام تقنینی ما در مقوله حمایت از نمودهای فرهنگ عامه باشد!

پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه

در مهم‌ترین متن رسمی موجود در خصوص حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، یعنی «پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه»^۳ نیز عدم دقت در هدفگذاری برای وضع قانون به‌خوبی نمایان است.

۱. همان لایحه، ماده ۲

۲. رجوع شود به همان لایحه، مواد ۳ و ۴

۳. برای مطالعه متن پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، رجوع کنید به سایت وزارت دادگستری به نشانی:

<http://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=853a0c04-45ac-4348-a055-10ff021daedc&ObjectId=19c01128-8dba-404e-855f-9dff92e542ad&WebpartId=50a98ab0-5670-4e9b-bcb5-5ba0e5dd70b8>

تعیین اهداف نادرست در حوزه وضع قوانین حمایتی برای نمودهای فرهنگ عامه، از جمله ریشه در همسان‌پنداری «نمودهای فرهنگ عامه» با «آثار موضوع مالکیت ادبی و هنری» دارد و این اشتباه از آنجا می‌آید که در هر دوی اینها، با موضوعاتی مشابه آثار ادبی و هنری سر و کار داریم؛ اما باید توجه داشت که میان این دو مقوله، تفاوت‌های مهمی وجود دارد. نمودهای فرهنگ عامه متناسب به شخص یا اشخاص مشخص و محصور نیستند و حاصل تحول و تطور در زمانی نسبتاً طولانی‌اند؛ در حالی که آثار ادبی و هنری مورد حمایت در حقوق مالکیت ادبی - هنری دارای پدیدآورندگان مشخص هستند.

این تفاوت، آثار بسیار مهمی در نحوه حمایت ایجاد می‌کند. در واقع در مالکیت ادبی و هنری، هدف مستقیم حمایت، پدیدآورندگان اثر هستند؛ در حالی که در مورد فولکلور، هدف مستقیم، حمایت از فرهنگ سنتی و به تبع آن حمایت از جوامع مربوط است و بحث مالکیت مطرح نیست؛ چرا که برای ایجاد نظام مالکیت در معنای دقیق کلمه، وجود شخص یا اشخاص معین و محصور ضروری است؛ در حالی که این شرط در مورد فرهنگ عامه مفقود است؛ از این‌رو در مورد نمودهای فرهنگ عامه، به حقوقی توجه می‌شود که تا حدودی مشابه حقوق معنوی پدیدآورندگان در مالکیت ادبی و هنری است و اگر هم منافع مادی نصیب جوامع مربوط شود، غالباً در اثر رعایت این گونه حقوق همچون تصریح به منشأ و منبع نمودها خواهد بود.

بی‌توجهی به این تفاوت مهم، موجب شده که در پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، با مقرراتی روبرو شویم که عمدتاً برگرفته از نظام مالکیت ادبی و هنری و مبتنی بر فرض وجود «پدیدآورنده» و به تبع آن «دارنده» و «مالک» هستند؛ از این‌رو به «حق انحصاری تثبیت، ایجاد آثار اشتقاقی، تکثیر، توزیع، اقتباس، اجرای عمومی، پخش رادیو، تلویزیونی و فروش...» برای دارندگان نمودهای فرهنگ عامه اشاره شده است!^۱ دارندگانی که اصولاً در مقام عمل قابل تعیین نخواهند بود و از این‌رو حقوق تعیین شده نیز بدون متعلق خواهد ماند.

۱. پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ماده ۵

در ماده ۱ پیش‌نویس مزبور، نخستین هدف از میان چهار هدف مشخص شده برای قانون موردنظر، حمایت از حقوق «دارندگان» نموده‌های فرهنگ عامه اعلام شده است؛ در حالی که اولاً در خصوص نموده‌های فرهنگ عامه، واژه «دارنده»، واژه‌ای غیردقیق و حتی نادرست است؛ از همین رو اسناد بین‌المللی همچون مقررات مدل حمایت از نموده‌های فرهنگ عامه، از به کار بردن آن امتناع نموده‌اند؛ از آن گذشته، معلوم نیست منظور از «دارندگان» چه کسانی هستند؟! با اینکه در مواد مختلف پیش‌نویس موردنظر، از عنوان «دارنده» استفاده شده؛ اما هیچ تعریفی از آن ارائه نگردیده و به جای آن، واژه «ذینفع» تعریف شده^۱ و با این حال بلافاصله باز به حقوق «دارندگان» پرداخته شده است!^۲

در «مقررات مدل برای قوانین ملی در خصوص حمایت از نموده‌های فولکلور در برابر استفاده ناروا و سایر اقدامات زیان‌بار»^۳ که از سوی وایپو و یونسکو تدوین شده، به اهداف قانونگذاری تصریح نشده است؛ اما از مفاد مقدمه، همچنین برخی مواد مقررات یاد شده، می‌توان به اهداف مورد نظر تدوین‌کنندگان آن پی برد.

در مقررات مدل، سخنی از دارنده در میان نیست و در هیچ کجای آن حمایت از دارندگان نموده‌های فرهنگ عامه به عنوان هدف این مقررات مورد تصریح یا اشاره قرار نگرفته است. در یکی از بندهای مقدمه، از جمله دلایل ضرورت حمایت از نموده‌های فرهنگ عامه این چنین بر شمرده شده است: «... هر گونه سوءاستفاده تجاری یا غیر آن یا هرگونه تحریف نموده‌های فولکلور موجب آسیب به منافع فرهنگی و اقتصادی «ملت» می‌شود؛ بدین ترتیب در این مقررات، ذینفع اصلی حمایت، ملتی دانسته شده که نموده‌های فولکلور منتسب به آن است؛ در واقع در مقررات مدل به‌جای آنکه «حقوق دارندگان» نموده‌های فرهنگ عامه محور حمایت قرار گیرد، خود نموده‌های فرهنگ عامه، در برابر

۱. همان منبع، ماده ۴

۲. همان منبع، ماده ۵

3. Model Provisions for National Laws On the Protection of Expressions of Folklore Against Illicit Exploitation and Other Prejudicial Actions, Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (Unesco), Paris, and by the World Intellectual Property Organization (WIPO), Geneva, 1985

بهره‌برداری ناروا و سایر اقدامات زیان‌باری که در این مقررات مشخص شده، مورد حمایت قرار گرفته‌اند تا بدین ترتیب از آسیب به منافع فرهنگی و اقتصادی ملت جلوگیری شود.^۱

هدف دیگری که در پیش‌نویس لایحه به آن اشاره شده، «جلوگیری از هرگونه استفاده نادرست خارج از چارچوب سنتی و عرفی نمودهای فرهنگ عامه»^۲ است. این هدف (که در رتبه دوم پس از هدف حمایت از حقوق دارندگان نمودهای فرهنگ عامه بیان شده) نیز هدف دقیقی نیست و اگر قرار باشد با اطلاق خود اجرا شود؛ قطعاً موجب سد شدن راه توسعه و ارتقای فرهنگ عامه و هنر و ادبیات به بهانه استفاده نادرست و خارج از چارچوب سنتی و عرفی فولکلور می‌شود. در مقررات مدل، استفاده‌های خارج از چارچوب سنتی و عرفی، در صورتی که به قصد انتفاع باشد، نیازمند مجوز مراجع ذیصلاح دانسته شده است؛^۳ البته منظور از انتفاع نیز استفاده‌های تجاری است؛ زیرا در این مقررات به صراحت استفاده از نمودهای فولکلور در آثار دارای اصالت، مجاز دانسته شده است.^۴

به هر روی، تعیین این گونه اهداف قابل انتقاد، لاجرم به راهکارها و احکام نادرست در پیش‌نویس لایحه یاد شده انجامیده است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

ب. خطا در نوع و موضوع حمایت

همانطور که گفته شد؛ پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، یکی از اهداف قانونگذاری را حمایت از حقوق «دارندگان» نمودهای مزبور برشمرده و به بیان حقوق «دارندگان» نمودهای فرهنگ عامه پرداخته است:

«دارندگان نمودهای فرهنگ عامه دارای حقوق زیر می‌باشند:

الف. حق انحصاری تثبیت، ایجاد آثار اشتقاقی، تکثیر، توزیع، اقتباس، اجرای عمومی، در دسترس عموم قرار دادن، پخش رادیو، تلویزیونی، فروش و عرضه برای فروش.

1. Ibid, Section 1

۲. پیش‌نویس لایحه، ماده ۱

3. Model Provisions for National Laws On the Protection of Expressions of Folklore Against Illicit Exploitation and Other Prejudicial Actions, Section 3

4. Ibid, Section 4(3)

ب. حق جلوگیری از تعیین نادرست منبع و منشأ نمودهای فرهنگ عامه.

ج. حق جلوگیری از تغییر و تحریف و یا هرگونه اقدام زیان‌بار دیگری که به اعتبار و شهرت نمودهای فرهنگ عامه لطمه وارد کند و یا موجب وهن گردد.

تبصره: هرگونه استفاده و بهره‌برداری از نمودهای فرهنگ عامه خارج از چارچوب سنتی و عرفی آن و با قصد سودجویانه مستلزم کسب اجازه قبلی از ذینفعان و تسهیم منافع حاصله به موجب توافق طرفین می‌باشد.^۱

چنانکه ملاحظه می‌شود بند الف ماده ۱ مذکور عیناً از حقوق مادی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری برگرفته شده و مبین مالکیت به معنای دقیق کلمه است؛ چرا که این بند متضمن ایجاد حق انحصاری برای دارندگان نمودهای مزبور جهت هرگونه استفاده از جمله تثبیت، ایجاد آثار اشتقاقی، تکثیر، توزیع، اجرای عمومی و فروش آنهاست؛ در حالی که همان‌طور که گفته شد در مقوله نمودهای فرهنگ عامه، مالکیت اصولاً منتفی است و عموماً شخص یا اشخاص محصور را نمی‌توان به عنوان مالک نمودهای مزبور مشخص کرد؛ چرا که این نمودها حاصل تحول و تطور و ارتقا در طی نسل‌های متمادی در یک جامعه محلی است و در نهایت نیز جزئی از فرهنگ ملی کشور به شمار می‌رود و نمی‌توان برای شخص یا اشخاصی نسبت به آنها حق انحصاری ایجاد کرد.

اما نکته قابل توجه این است که تبصره ماده مزبور با عقب‌نشینی از اطلاق بند الف همان ماده، لزوم کسب اجازه از ذینفعان را منوط به استفاده خارج از چارچوب سنتی و عرفی از نمودها با قصد سودجویی نموده است؛ یعنی تقریباً همان معیاری که در مقررات مدل بیان شده و به آن اشاره کردیم؛ بدین ترتیب جای این پرسش است که این چگونه حقی انحصاری است که دیگران نیز می‌توانند در چارچوب سنتی و عرفی از آن استفاده کنند؟!

به هر روی، اگرچه حقوق برشمرده شده در بند الف، در واقع با وجود این تبصره از معنا و مفهوم خالی شده و حق ذینفعان موردنظر را باید منحصر به مقررات تبصره مزبور، آن هم با لحاظ استثنائاتی دانست که در ماده ۶ پیش‌نویس بیان شده‌اند؛ اما نفس اینکه لازم باشد برای کلیه

۱. پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ماده ۵

استفاده‌های خارج از چارچوب سنتی و عرفی از نمودها، حتی در آثار اصیل نیز از به اصطلاح دارندگان این نمودها کسب اجازه کرد و در منافع آن با ایشان شریک شد، چندان موجه نیست؛ چرا که این امر مانعی بر سر راه هنروری هنرمندان و ادب‌ورزی شاعران و نویسندگان و دیگر فعالان عرصه ادب و هنر و موجب سد راه ارتقای هنر و ادبیات ملی خواهد بود؛ البته در پیش‌نویس لایحه، استفاده برای ایجاد آثار ملهم از نمودهای فرهنگ عامه به عنوان استفاده منصفانه، از شمول مواردی که نیازمند اجازه «دارندگان» است، خارج شده^۱؛ اما از آنجا که این استفاده به موجب صدر ماده ۶ مذکور از جمله منوط به عدم لطمه به منافع مشروع دارندگان و اشخاص ثالث شده، باز هم جا را برای به چالش کشیدن چنین استفاده‌هایی باز گذاشته است.

در مقررات مدل، نشر، بازنشر، توزیع نسخ نمودهای فولکلور، خوانش یا اجرای عمومی و پخش آنها از طریق وسایل بی‌سیم یا باسیم منوط به اجازه مقام صالح شده است؛ مشروط بر آنکه استفاده‌های مزبور هم به قصد انتفاع و هم خارج از چارچوب سنتی یا عرفی آنها باشد؛^۲ در عین حال این محدودیت در مواردی، از جمله جایی که نمودهای فولکلور برای خلق یک اثر اصیل به کار گرفته شوند؛ اعمال نخواهد شد.^۳ چنان که ملاحظه می‌شود، مفاد مقررات مدل، بدون آنکه پیچیدگی‌ها و تعارضات موجود در پیش‌نویس لایحه را داشته باشد، به سادگی و بدون قید و شرط‌های ابهام‌زا، تکلیف موارد حمایت و موارد استثنا را مشخص کرده و مانعی نیز در راه استفاده اهل ادب و هنر از نمودهای فرهنگ عامه در خلق آثار اصیل خود، ایجاد نکرده است؛ اهمیت این امر تا آنجا مدنظر تدوین‌کنندگان مقررات مدل بوده که صرف‌نظر از موارد مصرح مزبور، باز در جای دیگری از مقررات مدل هم تأکید شده است که حمایت موضوع این مقررات هرگز نباید به نحوی تفسیر شود که مانع استفاده متعارف از نمودهای فرهنگ عامه و یا مانع پیشرفت و ارتقای آنها باشد.^۴

۱. پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ماده ۶، بند ج

2. Model Provisions for National Laws On the Protection of Expressions of Folklore Against Illicit Exploitation and Other Prejudicial Actions, Section 3

3. Ibid, Section 4(3)

4. Ibid, Section 13

بنابه آنچه گفته شد، بجاست که مواد مربوط در پیش‌نویس لایحه مطابق مفاد پیش‌گفته مقررات مدل بازنگری و اصلاح شوند.

نکته قابل تأمل دیگری که در خصوص تبصره ماده ۱ پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ملاحظه می‌شود، این است که کسب اجازه از «ذینفعان» نمودها، مستلزم تسهیم منافع بر اساس توافق طرفین گردیده است؛ در حالی که علاوه بر ایراد مهم مشخص و محصور نبودن «ذینفعان»، فقدان هرگونه ضابطه برای تعیین سهم ذینفعان مورد نظر نیز در عمل مشکلات عدیده‌ای را ایجاد خواهد نمود. اما در مقررات مدل، مبلغ قابل دریافت توسط اشخاص و مراجع ذی‌ربط، بر اساس تعرفه تعیین شده از سوی مرجع نظارت پیش‌بینی شده است^۱ که می‌تواند روش مناسب‌تری در این خصوص باشد.

از سوی دیگر، چنانچه ذینفعان را آن‌گونه که در پیش‌نویس لایحه آمده، شامل «گروه‌ها، جوامع محلی یا قومی که نمودهای فرهنگی سنتی را حفظ، نگهداری و به طور مستمر استفاده می‌کنند و آن را به عنوان بخشی از هویت فرهنگی- اجتماعی خود توسعه داده‌اند»^۲ بدانیم، آن‌گاه این پرسش و اشکال مطرح می‌شود که چگونه و به چه ترتیبی امکان گفتگو و مذاکره با این جوامع وجود خواهد داشت تا بر اساس آن سهم هر طرف مشخص شود و بر فرض که چنین سهمی تعیین شد، چگونه باید سهم مزبور به جامعه محلی مورد نظر و افراد و اعضای عموماً نامحصور آن اختصاص یابد؟!

بنا به آنچه گفته شد مشخص است که حقوق و منافع مادی مربوط به نمودهای فرهنگ عامه، چه از حیث مبنا و چه از حیث ماهیت و چگونگی تعلق، شباهت چندانی با حقوق مادی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری ندارند. در واقع وجوه اشتراک میان این دو حوزه را باید در آنچه به عنوان «حقوق معنوی»^۳ در مالکیت ادبی و هنری شناخته شده جستجو کرد.

یکی از مصادیق حقوق معنوی، «تعیین منبع» است. در حقوق مالکیت ادبی و هنری این حق در صحت انتساب اثر به پدیدآورنده مصداق می‌یابد که بر اساس آن نباید نام شخصی دیگر به جای

1. Ibid, Section 10

۲. پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ماده ۴

۳. رجوع کنید به: قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸، مواد ۳، ۴، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳ و ۲۴

پدیدآورنده واقعی اثر به عنوان صاحب اثر درج یا اعلام شود؛ اما در حوزه نمودهای فرهنگ عامه، تعیین درست منبع، به معنای تعیین صحیح جامعه محلی و کشوری است که نمودها متعلق به آن است. تعیین درست منبع و منشأ نمودهای فرهنگ عامه، به خصوص در جامعه امروزی دارای اهمیت به سزایی است؛ زیرا با گسترش و توسعه روزافزون و برق‌آسای وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، احتمال اینکه منشأ اصلی یک اثر مربوط به فرهنگ عامه از دید مردم جهان گم شود یا به فراموشی سپرده شود و یا منشأ نادرستی برای آن تراشیده شود؛ به مراتب بیش از گذشته است. در پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، یکی از حقوق دارندگان نمودها، «حق جلوگیری از تعیین نادرست منبع و منشأ نمودهای فرهنگ عامه»، اعلام شده است.^۱

بدین ترتیب، اشخاص و جوامعی که دارنده این حقوق تلقی می‌شوند اختیار خواهند داشت که از حق خود برای جلوگیری از تعیین نادرست منبع استفاده کنند و عنداللزوم مبادرت به طرح دعاوی کیفری و مدنی مربوط نیز بنمایند^۲ آنکه از اعمال این حق خود صرف‌نظر کنند و شخص خاطی را به حال خود رها کنند.

نکته قابل انتقاد این است که در پیش‌نویس لایحه مزبور، به «جلوگیری از تعیین نادرست منبع» نمودهای فولکلور اکتفا شده و منعی برای «عدم تعیین منبع نمودها» پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین اگر شخصی از نمودهای مزبور به هر شکل استفاده کند؛ ولی اشاره‌ای به جامعه محلی منشأ نمود مزبور نکند؛ قابل منع یا تعقیب قانونی نخواهد بود؛ در حالی که می‌دانیم؛ عدم تعیین منبع نمودها نیز می‌تواند به همان اندازه «تعیین نادرست منبع»، موجب ورود خسارات قابل توجه به فرهنگ عامه مورد نظر و جامعه محلی ذی‌ربط شود.

در مقررات مدل، اشکالات یاد شده ملاحظه نمی‌شود. از یک طرف، لزوم رعایت تعیین درست منبع، نه به عنوان یک حق برای دارندگان، بلکه به عنوان یک حکم عام مورد تصریح قرار گرفته

۱. پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ماده ۵، بند ب

۲. رجوع کنید به: منبع پیشین، مواد ۱۰ تا ۱۲

است و باید از سوی استفاده‌کنندگان از نمودهای فرهنگ عامه، صرف‌نظر از تمایل جوامع محلی مربوط به پیگیری آن، رعایت شود.^۱

از طرف دیگر، در مقررات مدل، رعایت اصل مزبور صرفاً شامل تعیین صحیح منبع نیست، بلکه لزوم ذکر منبع را نیز دربرمی‌گیرد. مطابق آنچه در این مقررات آمده: «در همه نشرهای چاپی و مخابره‌های عمومی هر گونه نمود قابل شناسایی فولکلور، منبع آن باید به روشی مناسب، با ذکر جامعه قومی و یا مکان جغرافیایی که نمود استفاده شده مزبور از آن نشأت گرفته، مشخص شود.»^۲ البته مطابق مقررات مزبور لزوم تعیین منبع، شامل مواردی که شخصی از آنها در یک اثر اصیل استفاده می‌کند؛ همچنین شامل استفاده‌های اتفاقی نمی‌شود.^۳

همچنین در مقررات مدل، برخلاف پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، پیگیری تخلف از اصل تعیین (درست) منبع، به اختیار جامعه محلی مربوط وانهاده نشده است و در هر حال عدم رعایت آن موجب مسئولیت مدنی و کیفری شخص متخلف خواهد شد.^۴

علاوه بر لزوم تعیین درست منبع، یکی دیگر از مصداق‌های مهم حقوق معنوی، حق جلوگیری از تحریف اثر است که در خصوص نمودهای فرهنگ عامه نیز اهمیت زیادی دارد؛ چرا که تحریف یک نمود فرهنگ عامه، می‌تواند موجب استحاله و از دست رفتن اصالت و هویت آن شود و از خاستگاه‌های واقعی خود فاصله بگیرد.

البته باید یادآور شد که از ویژگی‌های نمودهای فرهنگ عامه، چنان‌که پیش از این اشارت رفت، تحول و تطور طبیعی آن در طول زمان، متناسب با نیازها و خواست‌های جامعه محلی ذی‌ربط است که بدیهی است این تطور طبیعی را که ریشه در تحول بطئی و تدریجی نیازهای همان جامعه محلی دارد؛ نباید از مصادیق تحریف آن نمود دانست؛ همچنین آثار ملهم از نمودهای فرهنگ عامه، از آنجا که از خود نمود فرهنگ عامه متمایز هستند، تحریف آن به شمار نمی‌آیند؛ اما هنگامی که قرار است

1. Model Provisions for National Laws On the Protection of Expressions of Folklore Against Illicit Exploitation and Other Prejudicial Actions, Section 5(1)

2. Ibid, Section 5(1)

3. Ibid, Section 5(2) and Section 4(1)(iii), (2)

4. Ibid, Section 6(1), (3)

خود نمود فولکلور به نحوی از انحاء همچون چاپ، اجرای صوتی یا نمایشی و مانند آنها در دسترس عموم قرار گیرد؛ حفظ اصالت و خودداری از تغییر و تحریف در آن، به دلیلی که بیان شد؛ واجد اهمیت بسیار خواهد بود؛ از این رو در پیش نویس لایحه، یکی از حقوقی که برای دارندگان نموده‌های فرهنگ عامه پیش‌بینی شده است، «حق جلوگیری از تغییر و تحریف و یا هرگونه اقدام زیان‌بار دیگری» است «که به اعتبار و شهرت نموده‌های فرهنگ عامه لطمه وارد کند یا موجب وهن گردد».^۱ چنان‌که ملاحظه می‌شود؛ پیش‌نویس لایحه، در خصوص جلوگیری از تحریف نموده‌ها نیز همانند مورد قبل (تعیین صحیح منبع)، آن را به عنوان حقی خصوصی برای دارندگان نموده‌ها مطرح کرده است که بدین ترتیب صرفاً با درخواست و پیگیری آن اشخاص و جوامع امکان جلوگیری از تحریف نموده‌ها ممکن خواهد بود و این امر، حمایت مؤثر از نموده‌های فرهنگ عامه را که عنصر مقوم فرهنگ ملی ما هستند؛ بسیار سست و ضعیف می‌گرداند.

اما در مقررات مدل، تحریف نموده‌های فرهنگ عامه همانند مورد پیشین بدون نیاز به شکایت شاکی خصوصی قابل مجازات دانسته شده است: «هر شخصی که به طور عمومی، به هر طریق مستقیم یا غیرمستقیم، نموده‌های فولکلور را استفاده می‌کند، عامدانه آنها را تحریف کند؛ به نحوی که به منافع فرهنگی جامعه مربوط لطمه بزند، قابل مجازات خواهد بود...»^۲

به هر روی، وجود چنین اشکالات و خطاهای مهمی در پیش‌نویس لایحه در خصوص نوع و چگونگی حمایت از نموده‌های فرهنگ عامه، بیش از هر چیز ناشی از تعیین نادرست یا غیردقیق اهداف است. زمانی که هدف از وضع قانون، حمایت از «دارندگان» نموده‌ها دانسته شود، طبیعی است که به تبع آن، به جای حمایت واقعی و مؤثر از فرهنگ عامه و نموده‌های آن، امر حمایت از نموده‌های فرهنگ عامه، به تبیین حقوق و منافع مادی و معنوی اشخاص یا گروه‌هایی محدود (و عموماً غیرقابل تعیین در عمل) فروکاسته می‌شود و در دایره حقوق خصوصی قرار می‌گیرد و خود فرهنگ

۱. پیش‌نویس لایحه حمایت از نموده‌های فرهنگ عامه، ماده ۵ (ج)

2. Model Provisions for National Laws On the Protection of Expressions of Folklore Against Illicit Exploitation and Other Prejudicial Actions, Section 6(4)

عامه در این میان نصیب چندانی نخواهد برد؛ در حالی که مقوله فرهنگ و حمایت از مصادیق آن، نیازمند وضع مقررات آمره در حوزه حقوق عمومی است.

ج. کافی نبودن قانونگذاری در سطح ملی

اصولاً وضع مقررات برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، چنان که در مورد آثار ادبی و هنری نیز چنین است؛ زمانی فایده کافی را خواهد داشت که در سطح بین‌المللی اجرا شود. در غیر این صورت، نه تنها سودمند نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند به زیان هنر و ادبیات ملی تمام شود. به بیان دیگر، نمودهای فرهنگ عامه از سوی پدیدآورندگان خارجی به راحتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و موجب ارتقای هنر و ادبیات بیگانگان می‌شود و حتی در سطح وسیعی مورد استفاده‌های تجاری آنان قرار می‌گیرد، اما هنرمندان و شاعران و نویسندگان خودمان نخواهند توانست در آثار خود از نمودهای فرهنگ عامه استفاده‌ی خلاقانه کنند! قضاوت کنید که چنین حمایتی ما را به کجا خواهد برد و چه سودی را عایدمان خواهد کرد؟!

از این رو لازم است حمایت از نمودهای فرهنگ عامه در بدو امر دست‌کم در سطح معاهده‌های دو جانبه و چندجانبه مورد توجه قرار گیرد. این امر اگرچه در پیش‌نویس لایحه مورد اشاره قرار گرفته و حمایت از نمودهای فرهنگ عامه متعلق به خارجیان در ایران منوط به رفتار متقابل یا بر اساس اسناد بین‌المللی دانسته شده است؛ اما به هیچ‌وجه کافی نیست و باید سازوکارهای آن دقیقاً مشخص و تمهیدات لازم برای تدوین اسناد چندجانبه و بین‌المللی نیز همزمان با اجرای مقررات حمایت از نمودهای فولکلور در داخل، صورت پذیرد.

باید توجه داشته باشیم که بیشترین آسیب، به نمودهای فرهنگ عامه، به‌ویژه خسارات معنوی، علی‌الاصول ریشه در خارج از کشور دارد تا داخل کشور و از این رو اکتفا به قانونگذاری ملی، اثر چندانی در حمایت مؤثر از نمودهای فرهنگ عامه مربوط به جوامع محلی و قومی کشورمان نخواهد داشت و حتی به دلیل محدودیت‌هایی که برای فعالان فرهنگی و حتی تجاری داخلی ایجاد می‌کند و امکان رقابت با بیگانگان را از آنان می‌ستاند؛ می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و گوی و میدان را در اختیار بازیگران عرصه بین‌المللی قرار دهد.

د. عدم توجه کافی به تجارب و دستاوردهای بین‌المللی

چنان‌که می‌دانیم، در سطح بین‌المللی در طی سال‌های متمادی، تلاش‌های گسترده‌ای به منظور رسیدن به مقرراتی که بتواند حمایت مؤثر و منطقی از نمودهای فرهنگ عامه را تأمین کند؛ صورت پذیرفته است. حاصل بحث‌ها و مجادلات فراوان و آزمون و خطاهای انجام شده، در اسنادی همانند «مقررات مدل برای قوانین ملی در خصوص حمایت از نمودهای فرهنگ عامه در برابر استفاده ناروا و سایر اقدامات زیان‌بار» که از سوی سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان یونسکو تدوین و ارائه شده، متبلور گردیده است.

چنان‌که در مقام مقایسه میان مقررات پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه با مقررات مدل ملاحظه شد؛ بسیاری از اشکالات و ایرادات موجود در پیش‌نویس لایحه، در مقررات مدل وجود ندارد و مقررات مزبور می‌تواند مبنای خوبی را برای وضع قانون ملی حمایت از نمودهای فرهنگ عامه تشکیل دهد.

هر چند در تنظیم و تدوین پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه به برخی از اسناد بین‌المللی توجه شده و برخی از مقررات آن برگرفته از چنین اسنادی است؛ اما به دلیل اینکه تدوین‌کنندگان پیش‌نویس، در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، عناصری همچون «دارندگان» و «حقوق انحصاری» ایشان را مبنای وضع مقررات و اقدامات حمایتی قرار داده‌اند؛ لاجرم از راهکارهای پذیرفته شده در مقررات مدل دور افتاده و تا حد زیادی به مقررات مربوط به مالکیت ادبی و هنری گرایش پیدا کرده‌اند که این امر موجب تشتت و ناهمگونی در پیش‌نویس لایحه شده است.

هـ نتیجه‌گیری

آنچه از مطالب و مباحث مطروحه در این مقاله نتیجه گرفته می‌شود این است که اگرچه اهمیت حمایت از نمودهای فرهنگ عامه محل اختلاف نیست و بلکه ضرورتی انکارناپذیر است؛ اما برای حمایت مؤثر از نمودهای مزبور باید به ویژگی‌های آنها توجه کرد و با در نظر گرفتن آنها اهداف صحیح حمایت را مشخص کرد و آنگاه در چارچوب اهداف تعیین شده، مقررات لازم را برای دستیابی به چنین اهدافی تدوین نمود.

مقاله ۶. آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی ایران در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ۱۵۹

متأسفانه در قوانین موجود هیچ‌گاه به‌درستی به این امر مهم پرداخته نشده است و در پیش‌نویس لایحه نیز هم در تعیین اهداف و هم در تعیین راهکارها، تشتت و ناهمگونی و ایرادات مختلفی وجود دارد که ناشی از عدم توجه کافی به ویژگی‌های نمودهای فولکلور و تعیین غیردقیق و نامناسب اهداف حمایت قانونی است.

از این‌رو به جای طی کردن دوباره راهی که دیگران رفته‌اند و مواجه شدن با مشکلات ناشی از آزمون و خطا، بهتر آن است که در تدوین قانونی برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، به‌ویژه در مقام تعیین حقوق و راهکارهای حمایتی، از دستاوردهای تجارب بین‌المللی که به‌ویژه در «مقررات مدل برای قوانین ملی در خصوص حمایت از نمودهای فولکلور در برابر استفاده ناروا و سایر اقدامات زیان‌بار» انعکاس یافته، حداکثر استفاده صورت پذیرد تا خشت اول بنای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه کج گذاشته نشود.

منابع

۱. پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ماده ۵(ج)
۲. قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸
۳. لایحه حمایت از مالکیت فکری، بند ۳۸ از ماده ۱

http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/920182

[http://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=853a0c04-45ac-4348-a055-10ff021daedc&ObjectId=19c01128-8dba-404e-855f-](http://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=853a0c04-45ac-4348-a055-10ff021daedc&ObjectId=19c01128-8dba-404e-855f-9dff92e542ad&WebpartId=50a98ab0-5670-4e9b-bcb5-5ba0e5dd70b8)

9dff92e542ad&WebpartId=50a98ab0-5670-4e9b-bcb5-5ba0e5dd70b8
Model Provisions for National Laws On the Protection of Expressions of
Folklore Against Illicit Exploitation and Other Prejudicial Actions,
Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural
Organization (Unesco), Paris, and by the World Intellectual Property
Organization (WIPO), Geneva, 1985

